

بسم الله الرحمن الرحيم

مدتی است که رهبر فرزانه انقلاب (حفظه الله) درباره «خطر نفوذ دشمن» سخن می گویند، از جمله:

اهمیت نفوذ دشمن

یک جور دشمنی، دشمنی سخت است؛ بمبی بیندازند، تیری بزنند، تروریستی بفرستند. یک جور دشمنی، دشمنی های نرم است که من از چندی پیش مسئله ی نفوذ را مطرح کردم؛ نفوذ خیلی مسئله مهمی است.

۴ آذر ۹۴ در دیدار فرماندهان بسیج

معنای نفوذ

تغییر باورها، تغییر آرمانها، تغییر نگاهها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می کند ... بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار میکنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است.

۴ آذر ۹۴ در دیدار فرماندهان بسیج

انواع نفوذ

نفوذ اقتصادی ممکن است، که البته کم اهمیت ترین آن نفوذ اقتصادی است؛ و ممکن است که جزو کم اهمیت ترین هم نفوذ امنیتی باشد. نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم اهمیت است.

۲۵ شهریور ۹۴ در دیدار فرماندهان سپاه

نفوذ فردی و جریانی

نفوذ دو جور است: یک نفوذ موردی است، نفوذ فردی است؛ یک نفوذ جریانی است ... نفوذ جریانی، یعنی شبکه سازی در داخل ملت؛ به وسیله ی پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن میشود. عمده ترین وسیله دو چیز است: یکی پول، یکی هم جاذبه های جنسی ...

۴ آذر ۹۴ در دیدار فرماندهان بسیج

نخبگان هدف اصلی نفوذ

آماج نفوذ هم چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم گیران یا تصمیم سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی میشود روی اینها نفوذ انجام بگیرد؛ بنابراین نفوذ خطر است؛ نفوذ خطر بزرگی است ...

۴ آذر ۹۴ در دیدار فرماندهان بسیج

این مقاله در صدد است تا این بحث را از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار دهد و در هشت بخش گرد آمده است:

۱. تعریف دشمن
 ۲. سرسخت ترین دشمن
 ۳. اقسام اهل ایمان در برابر دشمن
 ۴. خطر نفوذ دشمن
 ۵. عاقبت سازش با دشمن
 ۶. راه های مقابله با نفوذ دشمن
 ۷. حمایت خدا از شما در برابر دشمن مادامی است که سستی نکنید
 ۸. یک داستان عبرت آموز
- البته این مقاله ادعا ندارد که تمام آیات مرتبط را آورده باشد و اختصار تا حد امکان مراعات شده است.

۱. تعریف دشمن

۱. همه دنیا را دشمن خود نمی دانیم، لذا با دنیا تعامل سازنده داریم ولی قطعاً «دشمن» داریم و این امر یک «توهم» نیست، بلکه عین حقیقت است.

دشمن کسی است که منافع ملی او اقتضا می کند که ما از دینمان دست بکشیم و آواره و نابود شویم.

ممتحنه، ۸ و ۹

﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾

خداوند شما را از کسانی که در امر دین با شما به کارزار برخاسته و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند باز نمی دارد که با آنها نیکی کنید و با آنان به عدل و داد رفتار نمایید، چرا که خداوند دادگران را دوست می دارد.

﴿إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

خداوند شما را فقط از دوستی با کسانی نمی کند که در امر دین با شما پیکار کرده و شما را از دیارتان بیرون رانده و بر بیرون راندنتان یکدیگر را یاری نموده اند؛ و کسانی که با آنان طرح دوستی بریزند قطعاً ستمکارند.

۲. دشمن کسی است که بغض او در سخنانش آشکار است و بدانید که آنچه از بغض و کینه، در دل پنهان می کند بیش از این است.

آل عمران، ۱۱۸

﴿قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ﴾

[ای اهل ایمان به دشمن اعتماد نکنید چراکه] دشمنی از دهان هایشان و لحن سخنانشان آشکار است و آنچه سینه هایشان از دشمنی شما پنهان می دارد، بزرگ تر است.

۲. سرسخت ترین دشمن

مائده، ۸۲

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى﴾

بی گمان، سرسخت ترین مردم را در دشمنی با اهل ایمان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت، و نزدیک ترین مردم را در دوستی با مؤمنین، کسانی خواهی یافت که گفتند: ما مسیحی هستیم.

نکته ۱

باید دقت کرد که این آیه طیف بالا و پایین دشمنان مؤمنین را بیان کرده و مفهومش آن نیست که با مسیحیان طرح دوستی بریزید، چرا که در آیه ۵۱ همین سوره مائده دستور داد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ﴾

ای اهل ایمان، یهودیان و مسیحیان را دوستان خود مگیرید، زیرا آنان با وجود این که باهم اختلاف دارند در برابر شما با یکدیگر هم دل اند.

نکته ۲

گاه می گویند که چرا با صهیونیسم و آمریکا دشمن اید؟ اما با چین و روسیه که آنها هم مؤمن نیستند پیمان می بندید؟

جواب آن است که در عصر نبی اکرم ص هم ایشان ابتدا دشمن اصلی را شناسایی می کردند و با جریانات دیگر پیمان معاهده عدم جنگ و عدم یاری دشمنان اسلام می بستند. امروز هم باید دشمن اصلی (شیطان بزرگ) را شناخت و با کسانی که حاضرند در برابر او بایستند، پیمان بست. لذا امام علی ع در حکمت ۲۹۵ (یا ۳۰۱) نهج البلاغه به این اصل عقلایی اینگونه رهنمود دادند:

أَصْدِقَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ وَ أَعْدَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ

دوستانت سه نفر، و دشمنانت نیز سه نفرند:

فَأَصْدِقَاؤُكَ صَدِيقُكَ وَ صَدِيقُ صَدِيقِكَ وَ عَدُوُّ عَدُوِّكَ

اما دوستانت: دوستت، و دوست دوستت، و دشمن دشمنت هستند.

وَ أَعْدَاؤُكَ عَدُوُّكَ وَ عَدُوُّ صَدِيقِكَ وَ صَدِيقُ عَدُوِّكَ

اما دشمنانت: دشمنت، و دشمن دوستت، و دوست دشمنت می باشند.

البته تردیدی نیست که در حین هم پیمان شدن با سائیرین، باید دقت کرد که به گونه ای با آنها رفاقت نشود که منجر به ضربه خوردن از آنها شود. بنابراین باید دشمنان را رتبه بندی کرد و همگی در یک رتبه نیستند.

۳. اقسام اهل ایمان در برابر دشمن

۱. ساده انگاران: چون خودشان خوبند، همه را خوب می پندارند لذا دشمن را دوست دارند
حال آنکه دشمن آنها را دوست ندارد.

آل عمران، ۱۱۹

﴿هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَ لَا يُحِبُّونَكُمْ﴾

هان، شما همان هایی هستید که دشمنان را از روی سادگی دوست می دارید، ولی آنها شما را دوست نمی دارند ...

۲. کسانی که در دل مرض دارند: از دشمن می ترسند که مبادا از ناحیه او خطری به ایشان برسد
لذا به دشمن متمایلند.

مائده، ۵۲

﴿فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ﴾

پس بیمار دلان را می بینی که برای طرح دوستی با دشمنان، شتابان به میان آنان می روند و می گویند: می ترسیم که گزند از آنان به ما برسد و به یاری آنان نیازمند شویم.

﴿فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِي بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصِيبُحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ﴾

پس امید است که خداوند برای مؤمنان پیروزی پدید آورد و یا از جانب خود امری پدیدار سازد، آن گاه بیمار دلان سست ایمان از آنچه در دوستی با دشمن در دل هایشان نهان می داشتند پشیمان می شوند.

۳. افراد زیرک: دشمنی دشمن را درک می کنند و می دانند که اگر هم در برابر دشمن نایستند
اینطور نیست که دشمن از دشمنی اش دست بکشد.

مائده، ۵۴

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّونَهُ﴾

ای اهل ایمان، هرکس از شما که از دین خود برگردد و به کفر گراید بداند که دین خدا بی یاور نمی ماند، زیرا دیری نمی گذرد که خداوند مردمی را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان نیز او را دوست می دارند؛

﴿أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾

در برابر مؤمنان فروتنند و به آنان مهر می ورزند ولی بر کافران سرفرازند؛ در راه خدا پیکار می کنند و در کارهایشان از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای بیم ندارند.

﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

این فضل خداست که به هرکس بخواهد عطا می کند، و خدا بخششی گسترده و فضلی بی پایان دارد و به کسانی که درخور بخشش اند داناست.

۴. خطر نفوذ دشمن

۱. دشمن می خواهد دین ما را از ما بگیرد

بقره، ۱۲۰

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾

قطعا یهودیان و مسیحیان از تو خشنود نخواهند شد مگر این که از دین آنها پیروی کنی.

آل عمران، ۷۲

﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَ أَكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾

و گروهی از علمای اهل کتاب به پیروان خود گفتند: اول روز به آنچه از آیات قرآن بر مؤمنان نازل شده - به مکر و حيله - ایمان آورید، و در پایان روز کفر ورزید، شاید مؤمنان با این ایمان و انکار شما به تردید افتند و از دینشان بازگردند.

۲. دشمن این طور است که هر شری به شما اصابت کند شاد می شود و هر خیری که شما را مسّ کند (اگرچه اصابت نکند) خشمگین است

بنابراین قطعاً نه شری را از شما دور می کند و نه خیری را به شما می رساند.

آل عمران، ۱۲۰

﴿إِنْ مَسَسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَ إِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً﴾

دشمنان شما اینطورند که اگر خیری به شما نزدیک شود، مایه اندوهشان می شود، و اگر به شما بدی رسد شاد می شوند. و اگر بر ناگواری ها صبر کنید و تقوا پیشه سازید، نیرنگشان اندک زیانی به شما نمی رساند.

آل عمران، ۱۱۸

﴿لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالاً وَ دُؤَا مَا عَنْتُمْ﴾

دشمنان در حق شما از هیچ شرّ و فساد کوتاهی نمی کنند. دوست داشته اند که شما در رنج بیفتید و سخت زیان ببینید.

۳. خیلی به پیمان های دشمن اعتماد نکنید. احتمال پیمان شکنی اش زیاد است.

توبه، ۱۲

﴿وَ إِنْ نَكُوتُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ﴾

و اگر دشمنان، پیمان هایشان را پس از تعهدشان شکستند و در دین شما زیان به طعنه و عیب جویی گشودند، در این صورت با ایشان که پیشوایان کفرند بجنگید چراکه نسبت به پیمان هایشان هیچ تعهدی نیست.

۵. عاقبت سازش با دشمن

اگر دشمن بر شما تسلط پیدا کند، به دشمنی اش ادامه می دهد و گردنتان را می شکند

ممتحنه، ۲

﴿إِنْ يَتَّقُواكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ﴾

اگر دشمنانتان بر شما چیره شوند، همچنان دشمنتان خواهند بود و تمام دشمنی خود را فقط بر شما اعمال می کنند، و دست‌هایشان را (به اسارت، آزار و کشتن) و زبان‌هایشان را (به بدگویی، تحقیر و ناسزا) بر ضد شما می گشایند و بدانند که اینها همان‌ها بودند که کافر شدنشان را آرزو داشتند.

۶. راه‌های مقابله با نفوذ دشمن

۱. آنها را به عنوان ولی و سرپرست نگیرید

مائده، ۵۱

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ﴾

ای اهل ایمان، یهودیان و مسیحیان را دوستان خود مگیرید، زیرا آنان با وجود این که باهم اختلاف دارند در برابر شما با یکدیگر هم دل اند.

۲. دوست نزدیک از آنها نگیرید

آل عمران، ۱۱۸

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ﴾

ای اهل ایمان، به غیر خودی اعتماد نکنید و آنان را همراز خود نگیرید.

۳. اسرار نظامی خود را به آنها ندهید

مقدمه: سبب نزول آیات ابتدای سوره ممتحنه

«حاطب بن ابی بلتعنه» مسلمان شد و به مدینه آمد اما همسر کافرش در مکه باقی ماند. کفار قریش که پس از شکست در جنگ احزاب از ناحیه پیامبر نگران بودند از همسر «حاطب» خواستند تا نامه ای به شوهرش نوشته و از او بپرسند که آیا پیامبر قصد جنگ با قریش را دارد؟ او نامه ای نوشت و حاطب هم در نامه ای خطاب به همسرش نوشت که پیامبر قصد نبرد با کفار مکه را دارد. «حاطب» نامه را به زنی به نام «صفیه» داد و او نامه را در سرش پنهان کرد و به سوی مکه شتافت. جبرئیل برای نبی اکرم خبر این واقعه را آورد و پیامبر، امیرالمؤمنین و زبیر را مأمور کردند تا نامه را از صفیه بگیرند تا راز برنامه ریزی برای جنگ با کفار قریش بر آنها فاش نشود. امیرالمؤمنین علیه السلام به «صفیه» رسیدند و نامه را از او گرفتند و به پیامبر رساندند. پیامبر به «حاطب» فرمودند: چرا چنین کردی؟ «حاطب» گفت: خدا می داند که بر دین شما هستم ولی همسرم نامه نوشت که قریش با او خوشرفتارند، از این رو خواستم با پاسخ نامه شان، محبت آنها را جبران کنم! در پس این واقعه بود که سه آیه ابتدای این سوره نازل شد و از محبت ورزی با کفار نهی کرد و در آیات بعد، ابراهیم و مؤمنین همراه او را که از مشرکین اعلام براءت نمودند «اسوه حسنه» خواند^۱.

ممتحنه، ۱

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ ثَلُفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ

ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید، شما با آنان اظهار دوستی می کنید، در حالی که آنان به طور یقین به آنچه از حق برای شما آمده کافرنند

يُخْرِجُونَ الرُّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي

و پیامبر و شما را به خاطر ایمانتان به خدا که پروردگار شماست از وطن بیرون می کنند، پس آنان را دوستان خود مگیرید، اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودیم بیرون آمده اید

تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ

چرا مخفیانه به آنان پیام دوستی می دهید؟ در حالی که من به آنچه پنهان می داشتید و آنچه آشکار کردید دانانترم

وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿

و هر کس از شما با دشمنان من رابطه دوستی برقرار کند، مسلماً از راه راست منحرف شده است.

۱. برگرفته از تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶۱ و ۳۶۲؛ در مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۰۴ و ۴۰۵ نیز جریانی شبیه آنچه در تفسیر قمی آمده نقل شده است. تفاسیر ذیل نیز در بیان سبب نزول این آیه به نقل تفسیر قمی اعتماد نموده اند و آن را نقل کرده اند: تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۶۱؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۵۲ و ۳۵۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۹۹ و ۳۰۰.

۴. آنقدر از نظر قوای نظامی قوی باشید که از شما بترسد و فکر حمله را از سر بیرون کند

انفال، ۶۰

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ

شما مؤمنان باید برای مقابله با کافرانی که پیرامون شما هستند، آنچه در توان دارید از نیروی رزمی و اسبان آماده نبرد فراهم آورید تا بدین وسیله کسانی را که دشمن خدا و دشمن شما هستند بترسانید و اندیشه هجوم به مسلمانان را از خود دور کنند و آخرین من دُوهِمِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾
و نیز باید برای مقابله با دشمنان دیگری که غیر از اینانند و شما از آنان بی خبرید و خدا به وجودشان آگاه است نیروی رزمی آماده کنید.

توبه، ۱۲۳

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید، با کافرانی که همجوار شما هستند پیکار کنید، و باید در شما صلابت و سرسختی بیابند، و بدانید که خدا با تقوای پیشگان است و آنان را یاری می کند.

دو نکته از تفسیر المیزان:

- قاتلوا الذين يلونكم من الكفار: در این آیه خداوند مؤمنان را به جهادی فراگیر که گسترش اسلام را در تمام نقاط روی زمین در پی دارد فرا خوانده است، زیرا جهاد هر گروهی از مؤمنان با کافران همجوارشان هنگامی پایان می پذیرد که همه نقاط روی زمین در سیطره اسلام درآمده باشد.
- وليجدوا فيكم غلظة: «غلظة» به معنای سختی و صلابت به خاطر خداست، نه به این معنا که با کفار با خشونت و سنگدلی و ستم پیشگی برخورد کنند، زیرا اسلام در همه اصول خود این گونه برخوردها را ناپسند شمرده است. علاوه بر این، آیاتی که بیانگر وجوب جهاد و ترغیب به آن است مجاهدان را از تعدی و تجاوز بر حذر داشته است.

۵. رسماً از جبار و بیزاری خود را از دشمن اعلام کنید

ممتحنه، ۴

﴿فَدَ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ

قطعا در گفتار و رفتار ابراهیم و کسانی که با او بودند برای شما الگویی نیکوست
إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآؤُا مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ
آن گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه به جای خدا می پرستید دوری می جوئیم و با شرك ورزیدن شما مخالف می کنیم

وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبُغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ﴾

و میان ما و شما برای همیشه دشمنی و کینه پدید آمده است، مگر این که به خدای یکتا ایمان بیاورید.

۶. با خودتان مهربان باشید و نزاع نکنید و وحدت داشته باشید و گرنه ضعیف می شوید.

انفال، ۴۶

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

و خدا و پیامبرش را در امر جهاد فرمان برید و با یکدیگر اختلاف نکنید که ناتوان می شوید و عزت و شکوهتان از بین می رود، و بر سختی های جنگ و اطاعت از خدا و پیامبر شکیبیا باشید که خداوند با شکیبایان است و آنان را یاری خواهد کرد.

فتح، ۲۹

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾

محمد - صلی الله علیه و آله - فرستاده خداست، و کسانی که با اویند، در برابر کافران سرسخت و در میان خود مهربانند.

۷. در همان لحظاتی که خیلی از جانب دشمن تحت فشار هستید بدانید که «نصرت الهی» نزدیک شده. لذا اندکی صبر کنید تا گره گشایی شود.

بقره، ۲۱۴

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ؟﴾

آیا اینگونه پنداشته اید که به بهشت می روید و حال آن که هنوز همانند داستان کسانی که قبل از شما درگذشتند برای شما پیش نیامده است؟

﴿مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ؟﴾

محنّت ها و گزندها به آنان رسید و پیوسته دچار ترس و اضطراب شدند تا آن جا که پیامبر و کسانی که ایمان آورده و با او بودند، گفتند: پس یاری خدا کی خواهد رسید؟

﴿أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾

بدانید که به یقین یاری خدا نزدیک است.

۷. حمایت خدا از شما در برابر دشمن مادامی است که سستی نکنید

آل عمران، ۱۵۲

﴿وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ﴾

همانا خدا راستی و درستی وعده خود را در مورد پیروزی شما به ثبوت رسانید، آن گاه که در ساعات نخستین جنگ اُحد، به اذن او کافران را می کشتید و ریشه کن می کردید و همچنان پیش می رفتید

﴿حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَارَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِمَّا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ﴾

تا آن زمان که در پاسداری از گذرگاه اُحد سستی کردید و در آن کار کشمکش نمودید و سرانجام دستور پیامبر را نافرمانی کردید و گذرگاه را رها ساختید، و این بعد از آن بود که خداوند آنچه را دوست می داشتید (غنیمت های جنگی دشمن که بر زمین ریخته بود) به شما نشان داد و شما به طمع رسیدن به غنیمت تنگه احد را خالی کردید.

﴿مِنْكُمْ مَن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَن يُرِيدُ الْآخِرَةَ﴾

آری، از میان شما کسانی اند که دنیا را می خواهند و از میان شما کسانی اند که سرای آخرت را می طلبند.

۸. یک داستان عبرت آموز

۱. باید با هواپیماهای کوچک (پهپاد) از دشمن جاسوسی کرده و وضعیتشان را شناسایی کنید.

نمل، ۲۲ تا ۲۸ (داستان حضرت سلیمان ع و هدهد)

﴿فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ لَحِطُ بِهِ وَ جِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبِيٍّ يَقِينٍ (۲۲)﴾

هدهد پس از درنگی نه چندان طولانی به حضور سلیمان رسید. سلیمان سبب غیبتش را پرسید. هدهد گفت: به چیزی آگاهی یافتم که تو از آن بی خبری؛ برای تو از دیار «سبأ» خبری مهم و صحیح آورده ام.

﴿إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (۲۳)﴾

من زنی را یافتم که بر مردم سبأ حکومت می کرد و از تمام آنچه که پادشاهان برای اداره کشور خود به آن نیازمندند به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت.

﴿وَجَدْتُمَا وَ قَوْمَهُمَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَاهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (۲۴)﴾

او و قومش را یافتم که به جای این که برای خدا سجده کنند، برای خورشید سجده می کردند، و شیطان کارهای ناروایشان را برای آنان آراسته و در نتیجه آنان را از راه خدا و پرستش او بازداشته بود، از این رو به حق راه نمی یابند.

﴿أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الحَبَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ (۲۵)﴾

آری، شیطان برای آنان چنین آراسته بود که برای خدا سجده نکنند؛ همان خدایی که موجودات را از عدم به درآورده و در آسمانها و زمین به آنها وجود بخشیده و آنچه را که پنهان می کنید و آنچه را که آشکار می سازید همه را می داند.

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ العَرْشِ العَظِيمِ (۲۶)﴾

خداست که هیچ معبودی جز او شایسته پرستش نیست و خداوندگار عرش بزرگ است.

﴿قَالَ سَنَنْظُرُ أَ صَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الكَاذِبِينَ (۲۷)﴾

سلیمان گفت: خواهیم دید که آیا راست گفتی یا از دروغگویانی.

﴿أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْفَهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَا ذَا يَرْجِعُونَ﴾

پس نامه ای نگاشت و به هدهد گفت: این نامه مرا ببر و به سوی ملکه سبا و بزرگان دربارش بیفکن، سپس از جمع آنان به کناری برو، و در جایی که آنان را می بینی قرار گیر، آن گاه بین دربار این نامه چه سخنانی را ردوبدل می کنند.

۲. دشمن وقتی در شما احساس قوت کند سعی می کند با هدایایی شما را از مقابله باز دارد. اما

اگر استوار بایستید تسلیم می شود.

نمل، ۳۰ تا ۳۲ و ۳۵ تا ۳۷ و ۴۲

﴿إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳۰)﴾

ملکه سبا نامه سلیمان را دریافت کرده و شروع به خواندن کرد: آن نامه از سلیمان است و با نام خدا آغاز شده و مطلع آن این است: به نام خداوند با رحمت عام و خاص.

أَلَا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ (۳۱)

و مضمون نامه این است: بر من برتری مجوید و به حالت تسلیم نزد من آید.

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ (۳۲)

پس به منظور مشورت گفت: ای مهتران، در مورد کاری که برای من پیش آمده است رأی خود را بازگوئید، که من در اداره امور هرگز خودرأی نبوده و هیچ گاه بدون حضور شما در کاری تصمیم نگرفته ام.

...

وَ إِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ (۳۵)

من پیش از آن که به جنگ اقدام کنم، خبرگانی را با هدیه ای به سوی آنان می فرستم، پس می نگرم که آن فرستادگان با چه خبری بازمی گردند و مقدار انعطاف سلیمان را نظاره خواهیم کرد که آیا با این هدیه سست خواهد شد یا خیر؟

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَ تُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ (۳۶)

چون سرپرست فرستادگان نزد سلیمان آمد و هدیه ملکه را تقدیم سلیمان کرد، سلیمان گفت: آیا مرا به مال ناچیز دنیا یاری می دهید؟ این نبوت و سلطنتی که خدا به من عطا کرده بهتر است از آنچه به شما داده است. من این کار شما را ناپسند می دانم و ناپسندتر این که شما به هدیه خود شادمانید و آن را بزرگ می شمردید.

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَ لَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَ هُمْ صَاغِرُونَ (۳۷)

به سوی آنان بازگرد که قطعاً با سپاهیان که قوم سبا را در همان دیارشان در برابر آن هیچ تاب و توانی نباشد به سویشان خواهیم آمد و آنان را با ذلت و خواری از آنجا بیرون خواهیم کرد.

...

فَلَمَّا جَاءَتْ قَيْلٌ أ هَكَذَا عَزَّوَجَلَّتْ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَ أوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿۹﴾

پس هنگامی که ملکه به حضور سلیمان رسید، به او گفته شد: آیا تحت تو همین گونه است؟ پاسخ داد: گویی این همان است. و دریافت که سلیمان با این کار دارای قدرتی برتر است؛ از این رو گفت: ما پیش از این به قدرت شگفت آور سلیمان آگاهی یافته و تسلیم او شده بودیم.

نتیجه بحث

ای اهل ایمان، دشمن اگر در بین شما نفوذ کند هم دین شما را برباد خواهد داد(بقره، ۱۲۰ و آل عمران، ۷۲) و هم دنیای شما را برباد خواهد داد(آل عمران، ۱۲۰) و عاقبت شما را کشته یا از سرزمینتان آواره می کند(ممتحنه، ۹).

پس خطر نفوذ دشمن را جدی بگیرید.

روح الله راسل ؛ طلبه حوزه علمیه قم

۱۵ صفر ۱۴۳۷ ؛ ۶ آذر ۱۳۹۴